



عبدالاحمد فیض

انزغارت ثروتهای ملی تا دستبرد به قانون اساسی

با دریغ و افسوس بیکران که سرنوشت وطن به نحوی رقم خورده است که دیگر چپاول و غارت ثروتهای ملی و به هدر رفتن بخش اعظم منابع به دستان نا بکارهژمونی قدرت و ساکنان زورور دیگر بیک امر معمول و فرهنگ حاکم مبدل گردیده است. غارت داشته های ملی، غصب ملکیت های عامه، دولتی و خصوصی در جنب مفاسد گسترده مالی منجمله ارتشاء، اختلاس و غیره از موارد آشکار در وطن بلاکشیده مان است که همگان در بیش از یک دهه اخیر شاهد آن بودیم و روند غارت و چپاول بدستان مفسدان فی الرض کماکان فاجعا نه و بیشتر ما نه ادامه دارد و اما از تصرف و دستبرد به قانون اساسی به استثنای موارد اشکار و مضحک نقض این سند باعتبار حقوقی که وثیقه ملی نامیده میشود چیزی نمیدانستم.

بر بنیاد گزارش منتشره شده از سوی یکی از رسانه های تصویری بیرون مرزی افغانی که بر پایه اظهارات یکتان از حقدانان جوان بنام زکریا اصولی که خود تحقیقات عمیق و همه جانبه را در راستای دستبردهای گسترده به متن اصلی قانون اساسی مصوب لویه جرگه قانون اساسی انجام داده است، این سند با اعتبار حقوقی در بیش از هفتاد مورد بعد از تصویب لویه جرگه و قبل از توشیح و انفاذ آن مورد دستبرد قرار گرفته و هستند موارد متعددی در قانون اساسی که بعد از تصویب ایازاد، تنقیص و یا حذف گردیده است و بدین گونه این سند حقوقی ملی با محتوای تزویر شده در فرمان شماره (۱۰۳) مؤرخ ششم دلو سال (۱۳۸۱) توشیح گردیده و بیش از ده سال است که با محتوای- مزور و نامشروع مورد تطبیق قرار گرفته است. در گزارش بطور نمونه به مواد (۱۵۷)-(۱۵۸) و ماده (۱۶) این قانون اشاره صورت گرفته است که متونی اضافی در مواد فوق جاداده شده که در متن اصلی و تصویب شده لویه جرگه قانون اساسی وجود ندارد بطور مثال:

ماده (۱۵۷) مصوب لوی جرگه چنین حاکی است: ((کمیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی بر مبنای این قانون ایجاد میشود که اعضای آن از طرف رئیس جمهور تعیین میگردد))

متن ایزاد شده بعد از تصویب : ((اعضای کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی از جانب رئیس جمهور و تأیید ولسی جرگه تعیین می‌گردد))

و یا در ماده (۱۶) این قانون بعد از تصویب لوی جرگه متن ((مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ می‌گردد)) ایزاد گردیده است که در متن اصلی مصوب لویه جرگه قانون اساسی وجود ندارد. و موارد دیگر که بمنظور اختصار موضوع از ذکر آن درین مختصر اجتناب می‌گردد.

بدیهی است که دستبرد های گسترده و ایجاد تغییرات درین قانون که در محور منافع و منویات سردمداران قدرت صورت گرفته است ، عواقب زیانباری بر ارزش و جایگاه این سند مهم ملی در جامعه از خود بجا گذاشته از اعتبار حقوقی و مشروعیت آن ، نه تنها میکاهد بل توسل به اقدامات فردی و یا گروهی مبنی بر تغییرات ماهیوی و شکلی در قانون مذکور لویه حسن نیت و به عزم رفع نقایص و غنا مندی آن صورت پذیرفته باشد ، توشیح و انفاذ آن هیچگونه آثار حقوقی بران مرتب نمی نماید زیرا اقدامات شرم‌آزین نوع در تقابل آشکار با احکام مندرج در ماده (۱۱۰) همین قانون قرار گرفته و صلاحیت لویه جرگه قانون اساسی را مبنی تصویب و تعدیل قانون اساسی بمثابه یگانه نهاد ذیصلاح و مظهر اراده جمعی منتفی مینماید . فلذا از دید حقوقی هرگاه حتی یک واژه و یا یک جمله مستلزم ایزاد و یا حذف در قانون اساسی پنداشته شود ، اقدامات اجرائی در زمینه فقط در حیطه صلاحیت لویه جرگه است که به همین منظور فراخوانده میشود ، لذا متکی برین اصل تغییرات وارده در قانون اساسی بدون تائید و تصویب لویه جرگه ، اعتبار و مشروعیت حقوقی قانون اساسی موجود را بمثابه یک سند مزور از میان برده و احکام ایزاد شده قابلیت اجرائی ندارد. بنابراین راه بیرون ازین بن بست حقوقی اعلام رسمی متن اصلی مصوب لویه جرگه از سوی دولت بوده و یا علی الرغم انفاذ و تطبیق این قانون در بیش از ده سال گذشته ، لویه جرگه جدید بایست روی محتوای جدید این قانون، تصمیم مجدد اتخاذ نموده در غیر آن مردم افغانستان با قانون اساسی ای مواجه است که از فلتر لویه جرگه نه گذشته و مردم بایست از سندی تبعیت نمایند که بوضوح مشروعیت حقوقی ندارد.